

شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی
حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

شترنج از دیدگاه

قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

سرشناسه: شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت
نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی
تایپ و ویرایش: محدّثه تربتی
طرح جلد: محدّثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalae.loxblog.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰۴۶۱۲

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمات

۵

۱۰

آنان که امر هدايت گرى بر عهده دارند

۱۱

و هرگز نياز ندارد به روز شود ...

۱۳

در اين واويلاى گناه چه كنيم؟

۱۴

محبوبِ محبوب شويم

۱۷

شطرنج از ديدگاه قرآن كريم

آيه يكم:

آيه دوم:

آيه سوم:

۲۳

آيه چهارم:

۲۵

آيه پنجم:

آيه ششم:

۲۷

آيه هفتم:

۲۹

شطرنج از ديدگاه اهل بيت اطهار عليهم السلام

نهي نبوى صلى الله عليه وآله

۳۰

گناهى بس بزرگ

پرده هاى عصمت

۴/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

حرام محض

۳۱ نزدیکش مشو

در آتش شدن

۳۲ شطرنج و نگاه

دستی آلوده

۳۳ شطرنج در خانه؟

کاری یزیدی و مجوسی گری

۳۴ مؤمن و شطرنج ... !!!

۳۵ در معرض غضب خداوند ...

۳۶ آن جا که نور رحمت عاقه الهی نمی تابد ...

محروم از نظر لطف او

دور از یاد خدا ...

۳۷ آن جا که او همه را می بخشد ...

محروم از مهر سلام

۳۹ غیبتش روا

گواهی اش ناروا

۴۰ از نشانه های آخر الزمان

سخن پایانی

۴۲ رساله سؤال و جواب، حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج

۴۹ کتاب نامه

۵۵ پی نوشت ها

مقدمات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلوات والتحيات على محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم وظالمهم، وغاصبي حقوقهم ومخالفهم، ومنكري فضائلهم ومناقبهم، ومدعي شئونهم ومراتبهم، والراضين بذلك من الأولين والآخرين.

الله تعالى می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِئَةً وَفُرَادَى...»^۱

بگو (ای پیامبر!) همانا شما را به يك چیز پند می دهم، این که برای الله دوتا دوتا و تک تک بپاخیزید ...

الله تعالى انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان^۲ به چه چیز گرایش دارد و پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که پاسخ به این نیازها را در قالبی به نام دین نهاد تا بشربداند، آنچه را باید بداند.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی

راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت‌های او را داده و چه به درگاهش می‌بریم.^۳

دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می‌شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از این جاست که پی می‌بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بر دیده نهم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود و خانواده و جامعه خود را درگیر آثار زیانبار این نافرمانی کرده‌ایم. آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجاجتی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی‌دانند، بگوییم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی‌کنند، بگوئیم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده‌اند، نشان دهیم آنچه را که می‌توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگ‌ها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و به درستی که این جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خداوند خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید.^۴

راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می‌آورد و اشک را از چشمانش جاری می‌سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب‌هایمان را صاحب است.

امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می‌کند «توجیه گناه» و «تفسیر»هایی است که شیطان می‌پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوس‌های آلوده آن را زیبا می‌بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می‌آورد.

شیطان هر زمان حربه‌ای جدید می‌سازد و هر روز به شکلی در می‌آید.

باید دانست که او از کار نمی‌نشیند و می‌خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کاربندد. دنیای او صحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می‌کند. و می‌بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دل‌های پاک

جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می‌نماید و گمراه می‌کند و سپس برای این‌که آنان را از سرزنش‌های نفس‌لّوامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می‌کند ... و این‌جا است که دیگر تصوّرش را هم نمی‌توان کرد که جامعه به چه شکلی درخواهد آمد؟ آیا دیگر حتی می‌تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گنااهش قرار داده، درآورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه‌ای جدید به میدان آمده، که نام آن را «دلیل» می‌گذارد، در حالی که واقعیّت آن را نمی‌بیند و نمی‌داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمّم ادامه می‌دهد...، تا نا کجا آباد

روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می‌دانند، آنان که قرآن را در میان دست‌های خود می‌گیرند و تلاوت می‌کنند و می‌خواهند عمل کنند، اما ... شاید راه را گم کرده‌اند.

اصل مسلم این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادی و معنوی بشر زیان‌بار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنان‌که در قرآن کریم فرموده است:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ».

و خداوند برای ایشان آنچه را پاک باشد، حلال و آنچه را ناپاک باشد، حرام نمود.^۵

او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و به وسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می‌کند:

«لَيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^۶

و خدا با لطفی که در حق ما روا داشته، راه را به وسیله ایشان نمایان می‌سازد. قرآن را می‌فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت اطهار علیهم‌السلام را می‌فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر امر می‌فرماید تا کسی نگوید نمی‌دانستم یا نفهمیدم.^۷

او برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند ...^۸. فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای تسکین روح داریم، برآستی! چرا راهی را نمیایم که همانا همه خوردن و خوابیدن ها و نفس کشیدن ها را برای پیمودن آن خلق کرده اند؟!

ما آمده ایم تا بمانیم^۹.

از این روست آن جا که می بینیم گناهی رخ می دهد، گویا نفس کشیدن . که مایه و لازمه تداوم حیات ماست . برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان می گوید: سینه ام برای تحمل این عذاب تنگ می آید ... و می خواهیم هر طور شده خود را خلاص کنیم.

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت اطهار علیهم السلام، ایران عزیز را از آلودگی های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می خواهد ...^{۱۰}.

گناهای چون بی حجابی، ربا، شطرنج و موسیقی از جمله گناهای هستند که بستر انجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آن که ربا می خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آن که تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آن که پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می نهد، احساس کند لذت می برد، حال آن که شیطان زشتی را زیبا جلوه می دهد^{۱۱} و آن گاه که دست انسان از همه جا قطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می آورد^{۱۲}.

و انسان را از یاد خدا . که همانا تمام زیبایی است . غافل می سازد، تا آن جا که می تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او نباشد، تا آن قدر نفس او را بروی مسلط سازد که بتواند رو در روی امام خویش بایستد ...

آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خدا و پیامبر و اولیاء اوست، کلام پروردگار متعال پیرامون موضوع حرمت شطرنج. و در ذیل آیات، گزیده‌ای از احادیث پیرامون موضوع شطرنج ذکر شده که محققین محترم می‌توانند جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختص به آن‌ها است، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتاب‌های حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده‌ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت اطهار علیهم السلام قلبشان را صیقل داده و نورانی می‌کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده: تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جويا شویم ...، همانان که امر هدايت‌گري را به عهده دارند. و بدانیم آنچه را بر ایمان برای پیمودن این مسیر توشه نهادند، تا ابد کفاف سعادت‌مان را می‌دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و یا اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه‌ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبرمان نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می‌کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخ‌گویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس‌های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خداوند به ما می‌آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این واویله گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانو زده، دست او را ببوسیم و از حمایت‌گران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم ... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کافست.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده اند:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۳}

۱۰/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه‌ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک شاخه گل لبخند را از روی لب‌هایش به ما هدیه دهد ... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می کند.

اللَّهُمَّ... وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَالْإِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ، وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، ... ۱۴

لازم به ذکر است که صبیّه فاضله‌ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری‌ام نموده‌اند و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولی الله الأعظم صلوات الله علیه قرارگیرد.

آنان که امر هدایت‌گری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حدّ تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتّی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده‌اند، و این جا به ذکر یک حدیث از آن‌ها بسنده می کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوْا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا؛ كِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ - وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَالْوُسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا، لَا تَزِلُّوْا، وَ لَا تَضِلُّوْا، وَ لَا تَقَدِّمُوهُمُ فَتَضِلُّوْا، ...» ۱۵

بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می‌گذارم، تا آن هنگام که به آن دور روی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من، زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم (و پیامبران گاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود) وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و میان انگشت اشاره و وسط جمع نمود) و هیچکدام از آن دو بردیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می‌فرمایند، پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیتی را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می‌گویند، و آنچه عمل می‌کنند و آنچه را تایید می‌نمایند، همان است که خداوند فرموده است. کلام مولایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»، ...

و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ، وَ بَيَّنَّتُهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي، وَ بَيَّنَّهُمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ بَدَعَ بَعْدِي، مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ، وَ صَلَحَتْ لَهُ مَرْوَتُهُ، وَ عَرَضُهُ، وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا، كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى، وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَّتَهُ قُرْبَ الْحِمَى، نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرَعَاها فِي الْحِمَى، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَحَارِمُهُ، فَتَوَقَّوْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ»^{۱۶}

ای مردم! حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده‌ام) تا روز قیامت حلال است، و

حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده‌ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آن‌ها را در قرآن بیان نموده، و من در سنت و سیره‌ام آن‌ها را بیان نموده‌ام. در میان آن‌ها شبهه‌هایی از شیطان، و بدعت‌هایی پس از من است، هر کس این شبهه‌ها و بدعت‌ها را ترک نماید، امر دین، مرّوت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هر کس خود را به آن آلوده کند، و در پی بدعت‌ها برود، مانند کسی است که گوسفندانش را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می‌چراند، نفس او و سوسه‌اش می‌کند که آن‌ها را در چراگاه پسِ مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی مرزی دارد، و مرز خداوند محرمات (منوعیّت‌های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان‌ها و محرمات او باشید.

و امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ، وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةٌ»^{۱۷}

آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است، و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است، جز این نمی‌شود، و نباید بشود. و حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

و فرمود:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَ لَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدَّوْرِ، وَ إِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ...»^{۱۸}

خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر این که برای آن حدّ و مرزی مانند خانه‌ها قرار داده است، و به درستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت، ...

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و او را سعادتمند می‌خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آن‌ها نیست. زمان و دگرگونی‌های آن نباید هیچگونه تغییری در آن‌ها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشر به ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

در این وایلی گناه چه کنیم؟

حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».^{۱۹}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

و فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ».^{۲۰}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد (بیان حقائق شرعی کند)، وگرنه لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد. رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ، حَتَّى يَرْبُوا فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَهْرُمُ الْكَبِيرُ، وَيَسْلَمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ، وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ، وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بِدْعَةٌ؟».^{۲۱}

حال شما چگونه است هنگامی که بدعت‌ها در میان شما آشکار گردد، تا آن که کودکان با آن بزرگ می‌شوند، و بزرگان با آن پیر می‌گردند، و بیگانگان بر آن (دین آلوده به

بدعت‌ها) اسلام می‌آورند، و وقتی بدعت‌ها آشکار شدند، به آن‌ها سنت گفته شود، و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام روایت شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ نُورُ الْإِيمَانِ»^{۲۲}

آن زمان که بدعت‌ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت‌ها مبارزه) نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

پذیرفتن این که خدای یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیراوست، اگر غیر او را، غیر او بینیم و بدانیم. وقتی کسی کار زشتی را مرتکب می‌شود، اگر آن اشتباه را زشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی‌بیند، که بخواهد رهايش کند، و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده‌ایم. گناهان وجهه شرعی پیدا کرده‌اند و دیگر نمی‌آییم بگوییم فلان کار حرام است، فقط باید بگوییم: حلال نیست، تا بلکه شکل حلال بودن به خود نگیرد.

محبوب محبوب شویم

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۲۳}

بگو(ای پیغمبر!): اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد، و گناهان شما را ببامزد، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

همه خوب می‌دانند، کمتر کسی از حضور و ظهور یگانه منجی عالم بشریت بی‌اطلاع است. او روزی خواهد آمد و عدل را به پهنه زمین خواهد گستراند، این را همه می‌دانند و بسیاری چشم‌های به راه مانده برای دیدن آن طلعت دلربا ... اما کیست که بداند امید همه چشم‌های

به راه مانده، رو به سوی که می آورد و به دیدن که می رود؟ همه مشتاق دیدار او هستند، او مشتاق دیدار کیست؟ کیست که دیدنش او را به وجد می آورد؟ در آغوش نورانی او چه کسی جای دارد؟ و نگاه لطف او به سوی چه کسی جاری است؟ ...

دیگر خدا نیست که می گوید چه کاری خوب است و چه کاری بد. اگر چنین بود کارمان به این جا نمی کشید. ما بیشتر آن هستیم که خودمان می پسندیم، بیشتر طوری رفتار می کنیم که دیگران می خواهند، طرز لباس پوشیدن و رفتار و گفتارمان، بستگی به ذائقه دیگران دارد، قریحه دیگران است که حتی دوست داشتن هایمان به علاقه و تنفر آن شکل می گیرد، دوست داشتن هایی که دین ما را می سازد و جهت گیری آن ها مسیر زندگیمان را تعیین می کند.

مگر ما برای دیگران زندگی می کنیم؟ پس آن استقلالی که می گویند و می گوئیم وجود دارد، کجاست؟ آنچه می بینیم آیا جز تقلیدی کورکورانه است؟ ...

و ای کاش کسی هم به این بیاندیشد: مرا باید خدا تربیت کند و سایرین همان طور که خدا مرا می پسندد، بپذیرند.

افسوس و آه کاری برای ما از پیش نمی برد. همه از تکرار خسته ایم، از این که به جای عمل، فقط افسوس را می بینیم. ادعا و مدعی بسیار است ولی کمتر کسی به فکر آینده است، آینده ای که آمدنش چندان دور نیست، آن که همه پیامبران به آمدنش بشارت داده اند، آینده ای که به فرا رسیدنش محتاجیم.

کیست راه را نشان دهد؟ رهگذران! آیا یاریگری هست که مرا راهنمایی کند؟ کسی هست کمکم کند؟

صدایش را می شنویم، اگر بخواهیم: خدا به همه آنچه تو بدان نیازمندی، پاسخ گفته. راه از این طرف است، دنبال من بیا. مراقب باش، بیراهه بسیار است و پرتگاه ها عمیق، ناامید نباش که در این راه خدا یار و همراه و رهنماست.

بیا به درگاهش نیاز شویم و برویم تا بلکه ما را قابل نماید و محرم راز خویش کند. بیا آنچه ما را

۱۶/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

از او دور می‌کند، رهاکنیم و با او بپیوندیم تا جاودانه شویم. تمام تلاش ما باید این باشد که انتخابش کنیم، برای امروز و فردایمان، برای خود و خانواده‌مان، برای دنیا و آخرتman ... و یک گام به سویش برداشته و ادامه دهیم و تا آخر با او برویم، تا آستان بوس درگاهش شویم. و به دیگران بگوییم تا جلوتر بیایند تا آن جا که در نور وجودش قرار گیرند و در آغوش آرام شوند و این همان آرامشی است که به دنبال آن هستیم.

شطرنج از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ...»^{۲۴}

(ای پیامبر) از تودرباره شراب و میسر (قمار) سؤال می کنند (به آن ها) بگو: در آن دو گناه بزرگی است، و منافی برای مردم دارند، ولی گناهشان از نفعشان بزرگتر است ...

آیه دوم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۲۵}

ای کسانی که ایمان آورده اید! بدانید که شراب و میسر (قمار) و بت ها و ازالام (نوعی بخت آزمایی) پلید و از عمل شیطانند، از آن دوری و اجتناب کنید، امید است رستگار شوید.

آیه سوم:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^{۲۶}

همانا شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و میسر (قمار)، دشمنی ایجاد کند و

شما را از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا از انجام این امور دست برمی دارید؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«الشَّطْرُنْجُ وَالنَّرْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ»^{۲۷}

شطرنج و نرد (طاولی) هر دو میسر هستند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«وَأَمَّا الْمَيْسِرُ فَالنَّرْدُ وَالشَّطْرُنْجُ وَكُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ... كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَشِرَاؤُهُ
وَإِلْتِفَاعُ بَيْعٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَهُوَ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ
قَرَنَ اللَّهُ الْحَمْرَ وَالْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ»^{۲۸}

اما معنای میسر، نرد و شطرنج و هر قاری میسر است ... و تمام این موارد خرید و فروش
و هر گونه بهره برداری از این ها حرام است؛ از جانب خدا حرام شده و پلید و از کار
شیطان است، و خداوند شراب و قمار را قرین بت ها قرار داده است.

توضیح: گناه می گساری و قماربازی با بت پرستی و کفرورزیدن به خدا قرین است.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«الشَّطْرُنْجُ وَالنَّرْدُ مَيْسِرٌ»^{۲۹}

شطرنج و نرد، میسر هستند.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشَّطْرَنِجِ وَالنَّرْدِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ حَتَّى
أَنَّ لَعِبَ الصَّبْيَانِ بِالْجَوْزِ مِنَ الْقِمَارِ»^{۳۰}

بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از انواع قمار، همه داخل در میسر است، حتی گرد و بازی
بچه ها هم قمار (و از مصادیق میسر) است (و همان حکم را دارد).

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«التَّرْدُ وَالشَّطْرُنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ»^{۳۱}.

نرد و شطرنج قمار و از (مصادیق) میسر هستند.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«الشَّطْرُنْجُ مَيْسِرٌ وَالتَّرْدُ مَيْسِرٌ»^{۳۲}.

شطرنج میسر است و نرد نیز میسر است.

عبدالملک قتی می گوید: من با برادرم ادریس نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودیم که برادرم ادریس گفت: خدا ما را فدایت گرداند؛ میسر یعنی چه؟ حضرت فرمود:

«هِيَ الشَّطْرُنْجُ».

میسر یعنی شطرنج.

عرض کردم: ایشان (عامّه) می گویند که مقصود نرد است؟! فرمود:

«وَالتَّرْدُ أَيْضاً»^{۳۳}.

بلی، نرد هم میسر است.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ مَا تُقَوْمِرُ بِهِ حَتَّى الْكَعَابُ وَالْجَوْزُ ...»^{۳۴}.

هنگامی که آیه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ ...» بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید از آن حضرت پرسیده شد: میسر چیست؟ فرمود: هر چیزی که با آن قمار بازی (برد و باخت) شود، حتی طاس و گردو بازی.

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا

قَوْلُ الزُّورِ» پرسیده شد آن حضرت فرمود:

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجُ، وَ «قَوْلُ الزُّورِ» الْغِنَاءُ، وَ التَّرْدُ أَشَدُّ مِنَ الشَّطْرَنْجِ، فَأَمَّا الشَّطْرَنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ، وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ، وَ تَعْلِيمُهَا كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ، وَ مُقْلَبُهَا كَمُقْلَبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ النَّظَرُ إِلَيْهَا كَالنَّظَرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ، وَ اللَّاعِبُ بِالزُّورِ قِمَارًا مِثْلُهُ مِثْلُ مَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ، وَ مِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ فِي دَمِهِ، وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِمِ، وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ وَأَشْبَاهُهُ قِمَارٌ، حَتَّى لَعِبُ الصَّبْيَانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ، وَ إِيَّاكَ وَ الضَّرْبَ بِالصَّوَانِيحِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ، وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ، وَ مَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^{۳۵}

الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ - بت‌های پلید شطرنج است و قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا و غنا می‌باشد و نرد (گناه و کیفرش) شدیدتر از شطرنج است، و اَمَّا شَطْرَنْج: همانا گرفتن آن، کفر و ورزیدن به خداوند و بازی کردن با آن، شرک و ورزیدن به خداست، یادگرفتن آن، گناهی نابودگر است و سلام کردن به سرگرم شونده با آن، معصیت (و سرکشی از فرمان خدا) است و زیرو رو کننده آن، مانند کسی است که گوشت خوک را زیرو رو کند و بیننده آن، مانند کسی است که شرمگاه مادر خود را ببیند و کسی که با نرد قماربازی کند مانند کسی است که گوشت خوک بخورد و مِثْلُ کسی که بدون قمار (برد و باخت) با آن بازی کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک و یا خون آن آلوده گرداند و جایز نیست بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر^{۳۶} و مبادا چوگان بازی کنی زیرا همراه با تو شیطان می‌دود و فرشته‌ها از تو بیزار می‌شوند

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام چنین آمده است:

شطرنج از دیدگاه قرآن کریم / ۲۱

«إِذْ عَلَّمَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنْ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَهَى عَنْ جَمِيعِ الْقِمَارِ، وَأَمَرَ الْعِبَادَ بِالْإِجْتِنَابِ مِنْهَا، وَسَمَّاها رِجْسًا، فَقَالَ: رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ، مِثْلُ اللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَالنَّرْدِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْقِمَارِ، وَالنَّرْدُ أَشْرٌ مِنَ الشَّطْرَنْجِ، فَأَمَّا الشَّطْرَنْجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَاللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ، وَتَقْلَابُهَا كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ، وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا كُفْرٌ، وَمُقْلَبُهَا كَالنَّاظِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ، وَاللَّاعِبُ بِالنَّرْدِ كَمَثَلِ الَّذِي يَأْكُلُ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ، وَمِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ الَّذِي يَصْبِغُ [يَضَعُ] يَدَهُ فِي الدَّمِ وَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَمِثْلُ الَّذِي يَلْعَبُ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ كَمَثَلِ الَّذِي مُصِرٌّ عَلَى الْفَرْجِ الْحَرَامِ، وَاتَّقِ اللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ، وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، وَكُلَّ قِمَارٍ، حَتَّى لَعِبَ الصَّبِيانِ بِالْجُوزِ وَاللُّوزِ وَالْكَعَابِ، وَإِيَّاكَ وَالضَّرْبَةَ بِالصُّوْلَجَانِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ، وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ، وَمَنْ عَثَرَ دَابَّتَهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ»^{۳۷}

بدان! خدا تو را رحمت کند که خداوند تبارک و تعالی از جمیع اقسام قمار نهی فرموده، و بندگان خود را امر فرمود تا از آن‌ها اجتناب نمایند، و آن‌ها را «پلیدی» نامید و فرمود: رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ. این‌ها پلیدی و از عمل شیطان است، از آن اجتناب کنید مانند بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از اقسام قمار، و نرد بدتر از شطرنج است، و اما شطرنج: همانا گرفتن آن کفرورزیدن به خداوند بزرگ، و بازی کردن با آن شرک ورزیدن به خدا، و زیرو رو کردن آن گناهی بزرگ، و سلام کردن به سرگرم شونده با شطرنج کفر است، و کسی که مهره شطرنج را به دست می‌گیرد مانند کسی است که شرمگاه مادرش را ببیند، و بازی کننده با نرد مانند کسی است که گوشت خوک می‌خورد، و کسی که با آن به غیر از قمار کردن بازی کند (بدون برد و باخت) مانند

کسی است که دست خود را به خون و گوشت خوک آلوده کند، و کسی که با این ابزارهای قمار بازی کند؛ مانند کسی است که اصرار و تکرار برزنا نماید، و بپرهیز از خواتیم و اربعة عشر و هرگونه دیگر از اقسام قمار، حتی بازی بچه ها با گردو و بادام و طاس. و مبادا چوگان بازی کنی زیرا شیطان همراه تومی دود و فرشتگان از توبیزار می شوند و فرد چوگان بازی که مرکبش بلغزد (به زمین بخورد) و بمیرد، داخل آتش می شود.

امام علی الرضا علیه السلام می فرمود:

«إِنَّ الشَّطْرَنْجَ وَالتَّرْدَ وَارْبَعَةَ عَشَرَ وَكُلَّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ مِنْهَا فَهُوَ مَيْسِرٌ»^{۳۸}

شطرنج و نرد و اربعة عشر و هرچیزی که با آن قمار شود، میسر (و حرام) است.

امام علی الرضا علیه السلام می فرمود:

«الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ»^{۳۹}

«المیسر در قرآن» همان قمار است.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

«التَّرْدُ وَ الشَّطْرَنْجُ وَ الْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ، وَ كُلُّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ»^{۴۰}

نرد و شطرنج و اربعة عشر همه یکسان هستند (در حرمت فرقی بین آلات قمار نیست) و هر چیزی که با آن قمار شود؛ میسر است.

ابراهیم بن عنبسه به امام علی بن محمد الهادی علیه السلام نامه نوشت که: سرور و آقایم مرا از مقصود خداوند تعالی از این آیه: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ... خبر دهند، قرباتان کردم «المیسر» چیست؟ آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند:

«كُلُّ مَا قَوْمَرِ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ، وَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ»^{۴۱}

آنچه با آن قمار (و برد و باخت) شود، میسر می باشد، و (نوشیدن) هر مست کننده ای

حرام است.

آیه چهارم:

«... فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^{۴۲}

از پلیدترین نوع بت پرستی اجتناب کنید و از سخن ناروا بپرهیزید.

امام جعفر صادق علیه السلام پیرامون این آیه فرمودند:

«الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ هُوَ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ»^{۴۳}

(مقصود از الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ همان شطنج است و از قَوْلُ الزُّورِ غنا (آوازه خوانی و

نوازدگی) می باشد.

زید شحام می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پیرامون این آیه سؤال کردم، فرمودند:

«الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ»^{۴۴}

مقصود از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطنج است و مقصود از «سخن ناروا» غنا

(ترانه خوانی و نوازدگی) می باشد.

عبدالأعلى گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه یاد شده پرسیدم، حضرت فرمودند:

«الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».

مراد خداوند از «پلیدی از بت ها (بت پرستی)» شطنج و مراد از «سخن ناروا» غناست.

راوی گوید: از حضرت درباره آیه: وَمِنَ النَّاسِ ... و از مردم کسانی هستند که سخنان هلو و

بیهوده را خریدارند پرسیدم، فرمود:

«مِنْهُ الْغِنَاءُ»^{۴۵}

از جمله آن (سخنان هلو و بیهوده) غنا می باشد.

امام علی الهادی از پدران خود از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می فرمایند که آن حضرت

در تفسیر آیه فوق فرمودند:

«الرَّجْسُ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».^{۴۶}

«الرَّجْسُ - پلید و نجس»، شطرنج و «قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا» غنا (آوازخوانی و موسیقی) است.

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیده شد، حضرت فرمودند:

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».^{۴۷}

الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ - پلیدی از بت‌ها (بت پرستی) ، شطرنج و قَوْلُ الزُّورِ - سخن ناروا ، غنا (آواز خوانی و نوازندگی) است.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

«أَنَّ الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ».^{۴۸}

الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ - پلیدی از بت‌ها (بت پرستی) ، شطرنج است.

امام جعفر صادق علیه السلام درباره شطرنج فرمودند:

«... وَأَمَّا الشَّطْرُنْجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ مَا لَهُ وَالْمَلَاهِي فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُورِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَتُورِثُ النِّفَاقَ وَ...».^{۴۹}

و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ و مقصود از قَوْلُ الزُّورِ غنا است و همانا مؤمن از تمامی این کارها به‌کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات هو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟!) زیرا (استعمال) آلات هو، قساوت قلب می‌آورد و دورویی را به یادگار می‌نهد.

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث دیگری در تفسیر این آیه کریمه فرمودند:

«الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ».^{۵۰}

«پلیدی از بت‌ها (بت پرستی)» شطرنج، و «سخن ناروا» غنا می‌باشد.

شیخ صدوق می‌گوید:

«فِي التَّفْسِيرِ: أَنَّ الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجِ وَقَوْلَ الزُّورِ الْغِنَاءُ ... وَاجْتِنَابِ الْمَلَاهِي كُلِّهَا وَاللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ فَإِنَّ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ أَجْمَعٌ».^{۵۱}

در تفسیر از اهل بیت علیهم السلام است که: الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ شطرنج و قَوْلَ الزُّورِ غنا می‌باشد ... و از انجام کارهای بی‌هوده (استعمال آلات موسیقی و نوازندگی) پرهیز و از بازی کردن با خواتیم و اربعه‌عشر دوری کن. زیرا امامان راستگو علیهم السلام از انجام دادن همه آن‌ها نهی فرموده‌اند.

آیه پنجم:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا».^{۵۲}

(بندگان خاص خداوند) کسانی هستند که در مجالس باطل و گناه شرکت نمی‌کنند، و هنگامی که با لغو و بیهوده می‌روند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند (به آن اعتنایی نمی‌کنند). از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه شریفه فوق سؤال شد، حضرت در جواب فرمودند:

«مِنْ ذَلِكَ الْغِنَاءُ وَالشَّطْرَنْجُ».^{۵۳}

غنا و شطرنج از (مصادیق) آن (لغو) هستند.

توضیح: لحظه‌ای درنگ کن! خداوند بندگان ویژه درگاهش را این گونه توصیف می‌کند، به رنگ و بویی که خود می‌پسندد: آنان در انجمن‌های گناه لحظه‌ای تأمل نمی‌کنند.

آیه ششم:

«إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ».^{۵۴}

حضرت ابراهیم علیه السلام به پدر و قوم خویش چنین فرمودند: این صورت‌ها (بت‌ها)

چیست که دور آن جمع شده و خود را گرفتار آن نموده‌اید؟!

عبدالله بن مسعود صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت بر گروهی که با شطرنج بازی می‌کردند گذشتند (معترضانه) این آیه را تلاوت فرمودند: «مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ».^{۵۵}

شیخ ابوالفتح رازی در تفسیرش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که:

آن حضرت با گروهی که شطرنج بازی می‌کردند، روبرو شدند (مانند پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض کردند و همان آیه را تلاوت فرمودند) و مقداری خاک برداشته و روی صفحه شطرنج انداختند. آنان که اصرار داشتند با شطرنج، بازی کنند؛ هرگاه بساط شطرنج را پهن می‌کردند، مقداری خاک در آن می‌یافتند.^{۵۶}

علامه حلّی می‌نویسد:

و (عامّه) با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نهی از بازی با شطرنج مخالفت نمودند. و مولی‌الموحدین علی علیه السلام بر گروهی شطرنج باز گذر کردند و فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَلْعَبُونَ بِهَا، وَلَا يَلْعَبُ بِهَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ وَ الْجَبَّارُ مِنَ النَّارِ، يَعْنِي الشَّطْرَنْجَ».^{۵۷}

زمانی بر مردم خواهد آمد که با شطرنج بازی کنند (رایج شود)، و با آن بازی نکند مگر هر ستمگری، و ستمگرازانِ آتش است، مقصود شطرنج است.

امام موسی کاظم علیهما السلام از پدر گرامش امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مهره‌های شطرنج پرسید، و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَصْلُحُ أَنْ يُلْعَبَ بِهَا».^{۵۸}

نباید (و حرام است) با آن‌ها بازی شود.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۵۹}

و دارایی‌های یکدیگر را به ناحق در میان خودتان نخورید، و اموال را به (عنوان رشوه به جیب) حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید، تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، حال آن که خودتان می‌دانید (که گناه می‌کنید).

فضیل گوید: از امام محمدباقر علیه‌السلام درباره چیزهایی که مردم با آن‌ها بازی می‌کنند مانند نرد و شطرنج سؤال کردم تا این که رسیدم به سُدر، فرمود:

«إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فِي أَيِّهِمَا يَكُونُ؟»

وقتی خداوند حق را از باطل جدا کند (نرد و شطرنج و ...) با کدام هستند (با حق یا باطل)؟.

گفتم: با باطل، حضرت فرمود:

«فَمَا لَكَ وَلِلْبَاطِلِ؟»^{۶۰}

پس تو با باطل چکار داری؟

زراره می‌گوید: از امام جعفرصادق علیه‌السلام درباره شطرنج و بازی شیب و سه‌در (برخی انواع قمار) سؤال شد، فرمود:

«أَرَأَيْتَكَ إِذَا مَيَّزَ اللَّهُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا تَكُونُ؟»

وقتی خدا حق و باطل را از هم جدا کند، (شطرنج و ...) با حق خواهند بود یا با باطل؟. عرض کردم: با باطل. فرمودند:

«فَلَا خَيْرَ فِيهِ»^{۶۱}

پس خیری در باطل نیست.

۲۸/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

أبو عبيده حذّاء گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این آیه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» پرسیدم؛ فرمودند:

«كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَمَالِهِ فَهَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ»^{۶۲}

قریشیان برسر مال و زن های خود قماربازی می کردند و خداوند در این آیه آن ها را از آن (کار) نهی فرمود.

امام صادق علیه السلام درباره این آیه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» فرمودند:

«ذَلِكَ الْقِمَارُ»^{۶۳}

مقصود از باطل (در آیه) قمار است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الشَّطْرُنْجُ مِنَ الْبَاطِلِ»^{۶۴}

شطرنج از باطل (و حرام) است.

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام

نهی نبوی صلی الله علیه و آله

امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرماید که:

«... وَ نَهَى عَنْ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَ الْكُوبَةِ وَ الْعَرَطَةِ وَ هِيَ الطُّنْبُورُ وَ
الْعُودُ ...»^{۶۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ... و از بازی کردن با نرد و شطرنج و طبل و تار و طنبور
(آلات موسیقی) نهی فرمود

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ اللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ»^{۶۶}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بازی کردن با شطرنج و نرد نهی فرمود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خرید و فروش نرد و شطرنج نهی نموده و فرمودند:

«مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ كَأَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ»^{۶۷}

هرکس چنین کند مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

خداوند از بازی نمودن با شطرنج نهی نموده و از این رو وجهی که برای خریداری آن پرداخت
می شود، از جمله اموال حرام است، به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کسی که در

۳۰/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

ازای خرید و فروش آن مبلغی پرداخته یا اخذ می‌نماید، با عنوان کسی یاد می‌کنند که گوشت خوک می‌خورد، یعنی

گناهی بس بزرگ

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در نامه‌ای که به مأمون (لعنه الله) درباره ایمان نوشتند، مرقوم داشتند:

«الْإِيمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَاجْتِنَابُ جَمِيعِ الْكِبَائِرِ، وَ... وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ، وَ هِيَ... وَالْمَيْسِرُ، وَهُوَ الْقِمَارُ، وَ...»^{۶۸}

ایمان ادای امانت و پرهیز از همه گناهان بزرگ است، و... و پرهیز از گناهان بزرگ، و آن... و میسر است، که همان قمار می‌باشد، و....

پرده‌های عصمت

ابو خالد کابلی گوید: شنیدم امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام فرمود:

«... وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَاللَّعِبُ بِالْقِمَارِ»^{۶۹}

... و گناهان بزرگی که پرده‌های عصمت را پاره می‌کند، شراب‌خواری و قماربازی است.

توضیح: می‌شنوی؟ این صدای اوست که به گوش می‌رسد، انجام دادن این کارها پاک بودن را از من و تو می‌گیرد، خوب بودن را و نزدیک بودن به درگاه او را....

حرام محض

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفُسَادُ مَحْضًا؛ نَظِيرَ الْبَرَابِطِ، وَالْمَزَامِيرِ، وَالشَّطْرَنْجِ، وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ، وَ الصُّلْبَانِ، وَالْأَصْنَامِ، وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ؛ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَةِ الْحَرَامِ، وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفُسَادُ مَحْضًا، وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ

شطنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام / ۳۱

الصَّلَاحُ، فَحَرَامٌ، تَعْلِيمُهُ، وَ تَعْلُمُهُ، وَ الْعَمَلُ بِهِ، وَ اخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ، وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ، مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا، ...»^{۷۰}

... خدا صنعت‌هایی را حرام نموده که تمامی اش حرام است، و فساد محض در آن است نظیر؛ تارها، نی‌ها (آلات نوازندگی و موسیقی)، شطنج، و هرآلت هود دیگر، و ساختن صلیب، بت، و امثال این‌ها مانند؛ شراب درست کردن، و آن چیزی که در آن فساد محض باشد، و از آن و در آن وجه مصلحتی نباشد، پس یاد دادن، و یادگرفتن، و عمل کردن، و به کار گرفتن این آلات، و هرگونه حرکت، و اجرت گرفتن بر این‌ها حرام است،

....

نزدیکش مشو

ابوالربیع شامی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره شطنج و نرد سؤال شد. آن حضرت فرمود:

«لَا تَقْرُبُوهُمَا».

نزدیک آن دو نشوید.

گفتم: غنا چطور؟ فرمود:

«لَا خَيْرَ فِيهِ لَا تَقْرُبْهُ»^{۷۱}.

خیری در آن نیست. نزدیک آن نشو.

توضیح: تو که اهل دقت هستی خوب می‌فهمی که عبارت «با شطنج بازی نکن» با عبارت

«نزدیک آن نشو»، تفاوتی آشکار دارد و العاقل تکفیه الإشارة

در آتش شدن

امام علی الرضا علیه السلام فرمودند:

«الْمُطَّلِعُ فِي الشَّطْرَنْجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ»^{۷۲}.

آن که از شطنج آگاهی می‌یابد مانند کسی است که آگاه در آتش شده است.

۳۲/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

شطرنج و نگاه

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

«مَلْعُونٌ مَنْ لَعِبَ بِالْإِسْتِزِيقِ يَغْنِي الشَّطْرُنَجَ، وَ النَّاطِرُ إِلَيْهِ كَأَكْلِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

کسی که با شطرنج بازی کند مورد لعنت است و تماشاگران، مانند کسی است که گوشت خوک می خورد.

و در حدیث دیگری فرمود:

«النَّاطِرُ إِلَيْهِ كَالنَّاطِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ».^{۷۳}

نگاه کننده به شطرنج مانند کسی است که شرمگاه مادرش را نگاه کند.

دستی آلوده

علی بن رثاب می گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم و عرضه داشتم: فدایت شوم! درباره شطرنج چه می فرمایید؟ فرمود:

«الْمُقْلَبُ لَهَا كَالْمُقْلَبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

کسی که مهره شطرنج را بگیرد، مانند زیرورو کننده گوشت خوک است.

عرض کردم: کسی که گوشت خوک را زیرورو کند چه وظیفه ای دارد؟ فرمود:

«يَغْسِلُ يَدَهُ».^{۷۴}

(باید) دست خود را بشوید (و تطهیر کند).

حضرت امام المتقین امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«مَنْ الشُّحْتِ؛ ... وَثَمَنُ الشَّطْرُنَجِ، وَثَمَنُ التَّرَدِّ ...».^{۷۵}

از جمله اموال حرام؛ ... و پول شطرنج، و پول نزد است (مبلغی که بابت خرید یا فروش

آن پرداخت یا گرفته می شود و یا هراجرت دیگری که به واسطه شطرنج داده و یا گرفته

شود)

شطرنج در خانه؟

در کتاب فقه منسوب به امام علی الرضا علیه السلام آمده است:

«أَنَّهُ مَنْ لَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمِعْزَفَةِ وَ الشَّطْرَنْجِ وَ أَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا مَأْوَاهُ النَّارُ وَ بئس المصير»^{۷۶}

هر که طنبور یا تار (آلات موسیقی) یا هر چیز دیگر از وسایل لهو و آلات ساز و شطرنج و مانند این‌ها را چهل روز در خانه‌اش نگهداری کند، در خشم خدا داخل شده (خود را از لطف خدا محروم گردانده) و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده و جایگاهش آتش خواهد بود و بد جایگاهی است.

توضیح: خدای تو و من خود فرمود: رحمت همه چیز را فرا گرفته است، اما ببین چه آسوده اما بی اطلاع، خود را از رحمت او دور می‌سازد، خدایش آگاه کند.

کاری یزیدی و مجوسی‌گری

مسعدة بن زیاد گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره شطرنج سؤال شد، حضرت فرمود:

«دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا، لَعَنَهَا اللَّهُ»^{۷۷}

مجوسی‌گری را برای اهلش واگذارید، خدا لعنتش کند.

فضل بن شاذان می‌گوید: شنیدم از امام علی الرضا علیه السلام که می‌فرمود:

«لَمَّا حُمِلَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الشَّامِ أَمَرَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ فَوُضِعَ وَ نُصِبَ عَلَيْهِ مَائِدَةٌ فَأَقْبَلَ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ الْفُقَاعَ فَلَمَّا فَرَعُوا أَمَرَ بِالرَّأْسِ فَوُضِعَ فِي طَسْتٍ تَحْتَ سَرِيرَةٍ وَ بُسِطَ عَلَيْهِ رُقْعَةُ الشَّطْرَنْجِ وَ جَلَسَ يَزِيدُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَلْعَبُ بِالشَّطْرَنْجِ وَ يَذْكُرُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ أَبَاهُ وَ

جَدَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِمْ فَمَتَى قَامَرَ صَاحِبَهُ تَنَاوَلَ الْفُقَّاعَ
فَشَرِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ صَبَّ فَضْلَتَهُ عَلَى مَا يَلِي الطَّسْتَ مِنَ الْأَرْضِ فَمَنْ
كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعْ عَنْ شُرْبِ الْفُقَّاعِ وَاللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ. وَمَنْ نَظَرَ إِلَى
الْفُقَّاعِ أَوْ إِلَى الشَّطْرَنْجِ فَلْيَذْكُرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَلْعَنُ يَزِيدَ وَآلَ زِيَادٍ
يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ بِعَدَدِ النُّجُومِ»^{۷۸}

چون سرمقدس امام حسین علیه السلام به شام حمل شد، یزید لعنه الله فرمان داد تا سرقرار داده شود و بر آن سفره غذایی قرار گرفت و خود و همراهانش شروع به خوردن و آجیونوشیدن نمودند، و پس از آن فرمان داد تا سرمقدس را در طشتی زیر سرپوشی قرار داده و بر آن بساط شطرنج را پهن نمودند و یزید لعنه الله برای شطرنج بازی نشست و از امام حسین علیه السلام و پدر و جد گرامش به مسخره کردن یاد می کرد و هرگاه که نوبت بازی حریفش می شد، آجیومی نوشید، تا این که سه مرتبه آجیونوشید و زیادی آن را بر زمین کنار طشت ریخت. هر که از شیعیان ما (اهل بیت) می باشد، دامان خود را از گناه نوشیدن آجیو و بازی با شطرنج، پاک نگاه دارد. و هر کس که نگاهش به آجیو و یا به شطرنج افتاد، باید امام حسین علیه السلام را یاد کند و یزید و آل زیاد را لعنت نماید، بدین سبب خداوند گناهان او را محو (نابود) می نماید، گرچه به شماره ستارگان باشد.

تذکر: آجیونوشیدن و شطرنج بازی نمودن، کار یزید است و دوست دارانش، ولی آنان که سنگ حسین فاطمه علیهما السلام را به سینه می زنند هرگز با یزید و کار او میانه ای ندارند.

مؤمن و شطرنج ... !!!

عبدالواحد گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام در باره بازی کردن با شطرنج پرسیدم؛ فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمَشْغُولٌ عَنِ اللَّعِبِ»^{۷۹}

مؤمن از بازی (روی گردان و) به کار (معرفت و طاعت) است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«بَيْعُ الشَّطْرَنْجِ حَرَامٌ وَأَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ وَاتِّخَاذُهَا كُفْرٌ وَاللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ
وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ فِيهَا مَعْصِيَةٌ وَ كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ وَ الْخَائِضُ فِيهَا يَدُهُ
كَالْخَائِضِ يَدُهُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ لَا صَلَاةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُهَا مِنْ
مَسِّ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ النَّاطِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاطِرِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ وَ اللَّهُ فِيهَا وَ النَّاطِرُ
إِلَيْهَا فِي حَالٍ مَا يُلْهِى بِهَا وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ فِيهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ
وَمَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ كَانَ عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً
عَلَيْهِ فِي الْقِيَامَةِ وَإِيَّاكَ وَ مُجَالَسَةَ اللَّهِ وَ الْمَعْرُورِ بِلَعِبِهَا فَإِنَّهَا مِنَ الْمَجَالِسِ
الَّتِي بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ يَتَوَقَّعُونَهُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ فَيَعْمُكَ مَعَهُمْ»^{۸۰}

فروختن شطرنج و خوردن پول آن حرام و گرفتن آن کفر، و بازی با آن شرک است و سلام کردن به بازی کننده با آن، معصیت و گناه بزرگ و نابودگراست. هرکس دست خود را به آن آلوده کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک آلوده نموده باشد؛ نماز ندارد مگر این که دست خود را بشوید (تطهیر نماید) و تماشاگران مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نگاه کند و سرگرم شونده و بیننده و سلام کردن (سلام کننده) به شطرنج باز در هنگام بازی با شطرنج، همه در گناه با یکدیگر یکسان هستند. و هرکس در مجلس شطرنج بازی، برای بازی کردن بنشیند، حتماً جایگاه خود را آتش قرار داده، و این خوشی (اندک) در روز قیامت برای او حسرت خواهد بود. و پرهیز از کسی که شطرنج بازی می کند و به بازی با آن مغرور شده، زیرا این مجلس از مجالسی است که غضب خدا اهلش را فرا گرفته و هر لحظه، در معرض نزول غضب الهی هستند، آن گاه تو را نیز همراه با ایشان فرامی گیرد.

۳۶/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

آن جا که نور رحمت عاتقه الهی نمی تابد ...

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَلْعُونٌ مَنْ جَرَّ اللَّعْبَ بِالْإِسْتِرِيقِ يَغْنِي الشَّطْرُنَجَ».^{۸۱}

کسی که بازی خود را به شطرنج بکشانند (شطرنج بازی کند)؛ مورد لعنت (خداوند) است.

محروم از نظر لطف او

مردی از اهل بصره بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم! من با گروهی که شطرنج بازی می کنند می نشینم و بازی نمی کنم تنها نگاه می کنم (آیا اشکال دارد؟) آن حضرت فرمود:

«مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ».^{۸۲}

تو با مجلسی که خدا به اهل آن نظر رحمت نمی اندازد؛ چه کار داری؟! ...

دور از یاد خدا ...

امام علی الرضا علیه السلام می فرماید:

مردی خدمت امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای اباجعفر! درباره شطرنج - که با آن بازی می کنند - چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: پدرم علی بن الحسین علیهما السلام به من خبر داد از پدرش حسین بن علی از پدرش امیرالمؤمنین علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله که آن حضرت فرمود:

«مَنْ كَانَ نَاطِقًا فَكَانَ مَنْطِقُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ لَاغِيًا، وَمَنْ كَانَ صَامِتًا فَكَانَ صَمْتُهُ لِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ كَانَ سَاهِيًا».^{۸۳}

کسی که سخنی می گوید که یاد خدا نباشد لاغی (بیهوده گو) است، و اگر ساکت باشد و سکوتش هم برای یاد خدا نباشد غافل است.

سپس حضرت سکوت فرمودند، و آن مرد برخاست و رفت.

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السّلام / ۳۷

توضیح: کسی که سخن گفتن و نگفتن او برای خدا نباشد، از یاد خدا دور است. این جا سخن گفتن بدل از فعل است. حتی از یاد خدا دور می کند مرا، در حالی که من بدون او هیچ و پوچم و نظر رحمت اوست که مرا ارزشمند می کند.

آن جا که او همه را می بخشد ...

امام جعفر صادق علیه السّلام می فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَتَقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ».

در هر شب از ماه رمضان برای خدا آزاد شدگانی از آتش است، مگر کسی که با نوشیدنی مست کننده افطار کند، کسی که با مسلمانی کینه توزی کند، و صاحب شاهین.

راوی گوید: پرسیدم: شاهین چیست؟ فرمود:

«الشَّطْرَنْجُ».^{۸۴}

و آن شطرنج می باشد.

امام جعفر صادق علیه السّلام می فرماید:

«يَغْفِرُ اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ: صَاحِبِ مُسْكِرٍ أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنِ، أَوْ مُشَاحِنٍ».^{۸۵}

در ماه رمضان خداوند (همه را) می آمرزد، مگر سه کس را؛ شراب خوار، شطرنج باز و کسی که با مسلمانی کینه توزی کند.

محروم از مهر سلام

امیرالمؤمنین علیّ علیه السّلام می فرماید:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ: عَلَى السَّكَرَانِ فِي سُكْرِهِ، وَعَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ، وَعَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْتَّرْدِ، وَعَلَى مَنْ يَلْعَبُ

بِالرَّابِعَةِ عَشَرَ، وَ أَنَا أَزِيدُكُمُ الْخَامِسَةَ؛ أَنهَآكُمُ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَى أَصْحَابِ الشَّطْرَنْجِ»^{۸۶}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سلام کردن به چهار نفر نهی فرمود؛ ۱- می گسار در هنگام مستی ۲- بت تراش ۳- کسی که باند بازی می کند ۴- و کسی که با اربعه عشر بازی کند، و من پنجمین را می افزایم؛ و شما را باز می دارم از سلام کردن به اهل شطرنج (یعنی کسانی که به نحوی شطرنج را به زندگی خود راه داده اند).

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«سِنَّةٌ لَا يَتَّبِعِيهَا أَنْ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمُ الْيَهُودُ، وَ النَّصَارَى، وَ أَصْحَابُ التَّرْدِ وَ الشَّطْرَنْجِ، وَ أَصْحَابُ خَمْرِ، وَ بَرَبِطٍ وَ طُنْبُورٍ، وَ ...»^{۸۷}

شش دسته هستند که جایز نیست به آن ها سلام کنی؛ یهودی، مسیحی، صاحب ترد و شطرنج، می گسار، و اهل تار و طنبور (نوازندگان و...)، و

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ، وَ لَا عَلَى النَّصَارَى، وَ لَا عَلَى الْمَجُوسِ، وَ لَا عَبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَ لَا عَلَى مَوَائِدِ شُرَابِ الْخَمْرِ، وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الشَّطْرَنْجِ وَ التَّرْدِ، وَ ...»^{۸۸}

بر یهودیان، مسیحیان، مجوسیان، بت پرستان، و کسانی که بر سفره شراب نشسته اند (می خواران)، اهل شطرنج و ترد و ... سلام نکنید.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِالشَّطْرَنْجِ مَعْصِيَةً وَ كَبِيرَةً مُوبِقَةً، وَاللَّاهِي بِهَا، وَ النَّاطِرُ إِلَيْهَا فِي حَالٍ مَا يُلْهَى بِهَا، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْإِثْمِ سَوَاءٌ»^{۸۹}

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اظهار علیهم السلام / ۳۹

سلام کردن به کسی که با شطرنج، بازی می‌کند، نافرمانی خدا و گناهی بزرگ و نابودکننده است. شطرنج باز و تماشاگر آن (شطرنج) هنگام بازی، و سلام کننده به شطرنج باز در هنگام بازی، در گناه یکسانند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْأَعْبُ بِالشَّطْرَنْجِ مُشْرِكٌ، وَالسَّلَامُ عَلَى اللَّهِ بِمَعْصِيَةٍ».^{۹۰}

شطرنج باز مشرک است، و سلام کردن به کسی که با آن (شطرنج) سرگرم باشد، گناه است. توضیح: امام جعفر صادق علیه السلام می‌خواهند یک نکته لطیف را به تو و من بگویند: الزامی نیست که برای حرام بودن بازی با شطرنج، قید برد و باخت را به آن اضافه کنیم، یعنی حتی اگر... هم...؟ یعنی خودت حسابش را بکن وقتی نگاه کردن به آن، خرید و فروش آن، شرکت در محفل آن، سلام کردن به اهل آن و همنشینی با آنان حرام باشد، آیا می‌توان قید با برد و باخت یا بدون آن را به شطرنج بازی اضافه نمود و به آن لباس اسلام پوشاند؟ ...

غیبتی روا

در فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

«... وَ لَا غَيْبَةَ؛ لِلْفَاجِرِ، وَ شَارِبِ الْخَمْرِ، وَ اللَّاعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَ الْقِمَارِ».^{۹۱}

... فاجر (گناه کار)، فاسق (آن که اظهار به گناه می‌کند)، شرابخوار، شطرنج باز و قمارباز (حرمت) غیبت ندارند.

گواهی‌اش ناروا

علاء بن سیابه می‌گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمود:

«لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ؛ صَاحِبِ النَّرْدِ، وَ الْأُرْبَعَةِ عَشَرَ، وَ صَاحِبِ الشَّاهِيْنِ؛ يَقُولُ: لَا

وَاللَّهِ وَ بَلَى وَاللَّهِ، مَاتَ وَاللَّهِ شَاهٍ، وَ قُتِلَ وَاللَّهِ شَاهٍ. وَ مَا مَاتَ وَ مَا قُتِلَ».^{۹۲}

گواهی صاحب نرد (قمارباز)، و دوزباز، و صاحب شطرنج (شطرنج باز) قبول نمی‌شود

(عدالت ندارند)، (شطرنج باز) می گوید: نه به خدا سوگند و بله به خدا سوگند، به خدا سوگند شاهی مُرد و به خدا سوگند شاهی کشته شد. درحالی که نه مُرد و نه کشته شد. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«... وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ شَارِبِ الْخَمْرِ، وَ لَا شَهَادَةُ اللَّاعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ وَ التَّرْدِ، وَ لَا شَهَادَةُ الْمُقَامِرِ»^{۹۳}

گواهی شرا بخوار، شطرنج باز، کسی که باند بازی می کند و قمارباز، قبول نمی شود. توضیح: او با شطرنج بازی روح خویش را نابود می کند به طوری که دیگر راستی را نمی بیند و نمی تواند ببیند و حتی اگر هم ببیند، نمی تواند به زبان آورده و بپذیرد

از نشانه های آخر الزمان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (درباره علائم آخر الزمان) فرمودند:

«... وَ رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ، وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا، لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ، وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ، وَ رَأَيْتَ الْمَلَاحِي قَدْ ظَهَرَتْ، يُمَرُّ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا، وَ لَا يَحْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا»^{۹۴}

... و آن گاه که قماربازی، و شراب فروشی را آشکارا ببینی، و زنان را ببینی که اندام خود را به کفار ببخشند، مفسد را آشکارا ببینی، و مشاهده کنی که هیچ کس از رهگذران، از آن (فساد) منع ننماید، و کسی جرأت نکند دیگری را از آن مفسد بازدارد.

سخن پایانی

ای کاش همه ما معنای گناه را می فهمیدیم. چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می لرزاند. چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می پسندد؟ ... نخواهم ببینم که او مرا پاک می خواهد، برای خودش بدون غل و غش، تا امروز دنیا را آباد باشد و وسیله ای برای آباد شدن

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السّلام / ۴۱

زندگی جاودانه‌ام، فراهم سازم؟!

براستی مگر زور و زر دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من بخواهم احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟

فقط همین را بدانیم: برای آن مرد از آن سلاله پاک، یک قدم هم برداریم کافیهست. اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد، راهی نمانده، خوب بودن سخت نیست، اما تلاش می‌خواهد و درک این که این یک قدم‌ها وظیفه‌ای است که باید از عهده آن برآیم، خود حکایتی طولانی دارد، پس به جای حرف بهتر است به دنبال عمل برویم.

و در پایان تو را که می‌دانم قلبت از آن اوست و برای او می‌تپد به او می‌سپارم تا به من و ما بگوید: فرقی نمی‌کند که شطرنج چطور بازی شود، تفاوتی نیست که مثلاً بر سر چیزی و یا مبلغی باشد یا غیر آن. و هرگز انبیاء و ائمه علیهم السّلام با شطرنج و دیگر آلات قمار و هلو دست‌های خود را آلوده نکرده‌اند.

کافی است نگاهی به ادیان نسخ و تحریف شده و پیروان فرقه‌های گمراه و گمراه‌کننده بیندازیم و توجه کنیم که چه کسانی هستند که از این آلات استفاده می‌کنند.

خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و صلّى الله على محمّد وآله الطّاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

حیدر حسین التریقی الکربلائی عفی الله عن والديه و عنه آمین

جمادی الآخرة ۱۴۲۸ ه. ق



رساله سؤال و جواب

حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج

سؤال - آیا ذات آلات قمار شطرنج حرام است یا این که بازی با آن حرام است و آیا بدون برد و باخت، به چه دلیل حرام است؟

جواب - حرمت لعب (بازی) با شطرنج انصراف به بازی با رهان و قمار بر سر چیزی نیست، زیرا در روایات آمده که جمیع تصرّفات آن و تقلّب (زیور و کردن) آن شرک و کفر است، همین طور تقربّ (و نزدیکی) به آن، و مستفاد از منع قرب به آن اراده مبالغه در اجتناب و تنزه از آن است. و در صحیح بنظری از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمود:

«بَيْعُ الشَّطْرَنْجِ حَرَامٌ، وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ، وَ اتِّخَاذُهَا كُفْرٌ، وَ اللَّعِبُ بِهَا شِرْكٌ، وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا مَعْصِيَةٌ وَ كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ، وَ الْخَائِضُ يَدُهُ فِيهَا كَالْخَائِضِ يَدُهُ فِي لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ لَا صَلَاةَ لَهُ حَتَّى يَغْسِلَ يَدَهُ كَمَا يَغْسِلُهَا مِنْ مَسِّ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ، وَ النَّاضِرُ إِلَيْهَا كَالنَّاضِرِ فِي فَرْجِ أُمِّهِ، وَ اللَّاهِي بِهَا وَ النَّاضِرُ إِلَيْهَا فِي حَالِ مَا يُلْهَى بِهَا وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِي بِهَا فِي حَالَتِهِ تِلْكَ فِي الْأَيْثِمِ سَوَاءٌ، وَ مَنْ جَلَسَ عَلَى اللَّعِبِ بِهَا فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، وَ كَانَ

حرام بودن ذات آلات قمار و شطرنج ۴۳/

عَيْشُهُ ذَلِكَ حَسْرَةً عَلَيْهِ فِي الْقِيَامَةِ، وَإِيَّاكَ وَمُجَالَسَةَ اللَّاهِي الْمَغْرُورِ بِلَعِبِهَا، فَإِنَّهُ مِنَ الْمَجَالِسِ الَّتِي قَدْ بَاءَ أَهْلُهَا بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ يَتَوَقَّعُونَهُ كُلَّ سَاعَةٍ فَيُعْظَمُكَ مَعَهُمْ».^{۹۵}

فروختن شطرنج، و خوردن پول آن حرام، و گرفتن آن کفر، و بازی با آن شرک است، و سلام کردن به بازی کننده با آن، معصیت و گناه بزرگ و نابودگر است. هرکس دست خود را به آن آلوده کند، مانند کسی است که دست خود را به گوشت خوک آلوده نموده باشد؛ نماز ندارد مگر این که دست خود را بشوید (تطهیر نماید)، و تماشاگران مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نگاه کند، و سرگرم شوند، و بیننده، و سلام کردن (سلام کننده) به شطرنج باز در هنگام بازی با شطرنج، همه در گناه با یکدیگر یکسان هستند. و هرکس در مجلس شطرنج بازی برای بازی کردن بنشیند، حتماً جایگاه خود را آتش قرار داده، و این خوشی (اندک) در روز قیامت برای او حسرت خواهد بود. و بپرهیز از کسی که شطرنج بازی می کند و به بازی با آن مغرور شده، زیرا این مجلس از مجالسی است که غضب خدا اهلش را فرا گرفته و هر لحظه، در معرض نزول غضب الهی هستند، آن گاه تو را نیز همراه با ایشان فرا می گیرد.

و روایت ابوالتریب شامی از امام جعفر صادق علیه السلام در جواب به سؤال از شطرنج و نرد فرمود: «لَا تَقْرُبُوهُمَا - لَا تَقْرُبُوهُمَا»، هر چند که ابوالتریب مجهول است لکن حسن بن محبوب که از اصحاب إجماع است از او روایت نموده است و این روایت معتمد است.^{۹۶}

و مجموع روایات درباره شطرنج و ما أَعَدَّ و وضع للقمار نیز می رساند که آن ها ذاتاً حرام اند، و هرگونه تقلبی با آن ها نیز حرام است، زیرا وضع آن ها برای قمار بوده است. و از برای شطرنج و نرد تعبیر لعب شده است، و به دلیل این که همه انواع تقلبات با آن دو بنابر فرمایش امام صادق حرام است، پس انصراف به بازی با شطرنج تنها با قمار کردن و بر سر رهان و چیزی نیست. و در

حدیث شریف تحف العقول از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمود:

«... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَامٌ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا
الْفُسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبَرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشَّطْرَنْجِ وَكُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَالصُّلْبَانِ
وَالْأَصْنَامِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَةِ الْحَرَامِ وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ
الْفُسَادُ مَحْضًا وَلَا يَكُونُ فِيهِ وَلَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ
وَتَعَلُّمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَآخُذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ
الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا...». ۹۷

و همانا خداوند متعال کار و ابزاری را حرام کرده است که تمام (کاربرد و مصرف) آن حرام
است و جز در راه فساد کاربرد ندارد؛ مانند تارسازی و نی سازی و شطرنج سازی و هر
آلت هودیگری و همچنین حرام فرموده است ساختن صلیب ها و بت ها و شبیه آن ها،
مانند نوشیدنی های حرام و آن چه که از آن و در آن جز فساد نیست و از آن و در آن
چیزی از کاربردهای سالم نباشد. آموختن آن و آموزش دادن آن و کار کردن با آن و مزد
گرفتن برای آن و همه کاربردهای آن و هرگونه حرکتی با آن ها حرام است.

حضرت تصریح دارد که هیچ گونه وجه صلاحی در این مصادیقی که ذکر فرموده که شطرنج از
آن ها است نمی باشد، و مطلقاً انتفاع از شطرنج و ما اُعدَّ للقمار حرام است. و روایاتی که دلالت
دارند بر این که شطرنج به منزله گوشت خوک است مفید آن است. علی ابن رئاب می گوید: نزد
امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و به امام عرض کردم: فدایت گردم! درباره شطرنج چه
می فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود:

«الْمُقْلَبُ لَهَا كَالْمُقْلَبِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ».

حرکت دهنده مهره های آن، همانند زیر و رو کننده گوشت خوک است!

پرسیدم: چه چیزی بر زیر و رو کننده گوشت خوک است؟ امام فرمود:

«يَغْسِلُ يَدَهُ». ۹۸

دستش را بشوید.

دیگر این که اصل وضع شطرنج و نرد و مانند آن‌ها از آلات قمار برای قمار کردن با آن‌ها وضع شده‌اند.

و دلیل دیگر اجماع شیعه است چنان که در کتب فقهیه خود تصریح نموده‌اند، و تصریح بر عدم خلاف شده است.

از جمیع آن‌ها استفاده می‌شود که شطرنج و آلات قمار ذاتاً حرام‌اند.

در سوره ۲ قرآن کریم آیه ۲۲۰ آمده است:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا...».

و در آیه دیگری آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

در هر دو آیه سخن از «میسر» رفته است که در تفسیر اهل بیت اطهار علیهم السلام همان قمار است.

در آیه سوّم: سوره ۵ المائدّه آیه ۹۱ و ۹۲ آمده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ».

در آیه اوّل: آن را دارای اثم کبیر و در آیه دوّم رجس و از عمل شیطان و امر به اجتناب مؤمنین از آن فرموده است و در آیه سوّم اراده شیطان در نوشیدن شراب و عمل قمار را ایجاد دشمنی میان مؤمنین و بغض و کینه و جلوگیری و بازداشت از ذکر و یاد خدا و برپا داشتن نماز ذکر فرموده.

«وَأَمَّا الْمَيْسِرُ فَالتَّرْدُ وَ الشَّطْرُنْجُ وَ كُلُّ قِمَارٍ مَيْسِرٌ ... كُلُّ هَذَا بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ الْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مِنَ اللَّهِ مُحَرَّمٌ وَ هُوَ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ قَرَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْسِرَ مَعَ الْأَوْثَانِ». ۹۹

اما معنای مَیسِر، نرد و شطرنج و هر قماری میسر است ... و تمام این موارد خرید و فروش و هر گونه بهره برداری از این ها حرام است؛ از جانب خدا حرام شده و پلید و از کار شیطان است، و خداوند شراب و قمار را قرین بت ها قرار داده است.

توضیح آن که: گناه می گساری و قماربازی با بت پرستی و کفرورزیدن به خدا قرین است. از امام محمد باقر علیه السلام است که فرمود:

«يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشَّطْرُنْجِ وَ التَّرْدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ حَتَّى أَنْ لِعِبِ الصَّبْيَانِ بِالْجَوْزِ مِنَ الْقِمَارِ». ۱۰۰

بازی با شطرنج و نرد و غیر این دو از انواع قمار، همه داخل در میسر است، حتی گرد و بازی بچه ها هم قمار (و از مصادیق میسر) است (و همان حکم را دارد).

و از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه: «... فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» ۱۰۱ پرسیده شد که حضرت فرمودند:

«الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» مقصود شطرنج است و مقصود از «قَوْلَ الزُّورِ» غنا است و نرد شدیدتر از شطرنج است. و فرمود:

«... وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ كُلُّ ذَلِكَ وَ أَشْبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لِعِبِ الصَّبْيَانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ ...». ۱۰۲

و جایز نیست بازی با خواتیم و اربعه عشرو همه آن ها و چیزهای دیگری که شبیه آن

شطرنج از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام / ۴۷

است قمار می باشد و حتی بازی کودکان با گردو که همان نیز قمار است

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَأَمَّا الشَّطْرَنْجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ، مَا لَهُ وَالْمَلَاهِي؟! فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ، وَتُوْرِثُ النِّفَاقَ، وَ...» ۱۰۳.

و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: از پلیدی از بت ها (بت پرستی) اجتناب ورزید، و از سخن ناروا دوری کنید و «سخن ناروا» غنا است، و همانا مؤمن از تمامی این کارها به کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات هلو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟! زیرا) استعمال) آلات هلو، قساوت قلب می آورد، و دورویی را به یادگار می نهد، و

و در کتاب المقنع ابن بابویه قی: ص ۱۵۴ که از کتب متون احادیث است آمده:

در تفسیر از اهل بیت علیهم السلام است که:

«أَنَّ الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ، ... وَاجْتَنِبِ الْمَلَاهِي كُلَّهَا، وَاللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، فَإِنَّ الصَّادِقِينَ نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ أَجْمَعٍ.»
«الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» شطرنج و «قَوْلُ الزُّورِ» غنا می باشد ... و از انجام کارهای بیهوده (استعمال آلات موسیقی) بپرهیز، و از بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر دوری کن. زیرا امامان راستگوار انجام دادن همه آنها نهی فرموده اند.

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي ... مِنْهَا الْفُسَادُ

و احادیث دیگری که تعمیم داده شده است حرمت بازی نمودن و لهو و سرگرمی با آلات قمار و غیرآلات قمار را.

دیگر این که همان آثاری که در بازی با آلات قمار چون شطرنج است، در لهو و بازی با آلات دیگری که برد و باخت دارند مانند بیلیارد و آن چه ذکر شد نیز می باشد.

در صریح فرمایش معصومین علیهم السلام است که آن چه برد و باخت و بازی و لهو باشد خواه شطرنج و نرد و اربعة عشر و بازی با گردو و غیره همگی حرام محض می باشد زیرا آثار سوء در همه آنها می باشد خواه با رهان و قمار بر سر چیزی باشد یا نباشد.

دیگر این که تأسیس این ابزار از جانب کفار برای قمار و برد و باخت و اِتلاف عمر و ترویج روحیه سلطه طلبی و قساوت قلب و دوری از ذکر خدا و نماز و آن چه خوبی است می باشد، و موافق شیطان رجیم و حزب وی لعنهم الله است.

کتاب نامه

القرآن الکریم، کلام الله سبحانه و تعالی .
نهج البلاغة: الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهما السلام (شهادت سال ۴۰هـ). چاپ
دارالمعرفة - بیروت.

و تحقیق صبحی الصالح، نشر دارالأسوة، اوقاف چاپ اول ۱۴۱۵هـ.

الف

الأمالی: الشَّیخ الصَّدوق مُحَمَّد بن عَلی بن الحسین بن بابویه القمّی (ت ۳۸۱هـ)، مكتبة
الإسلامیة، ۱۳۶۲ش.

الأمالی: شیخ الطائفة الحقة أبو جعفر مُحَمَّد بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، دارالثقافة - قم،
چاپ اول ۱۴۱۴هـ.

و مؤسسه بعثت - قم، چاپ اول ۱۴۱۴هـ.

الإحتجاج: أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی (ت ۵۶۰هـ)، منشورات دارالنعمان النجف
الأشرف.

إرشاد القلوب: حسن بن أبی الحسن مُحَمَّد الدیلمی (از علمای قرن ۸)، نشر الرضی - قم،
چاپ دوم ۱۴۰۹هـ.

و دارالأسوة، تهران، ۱۴۱۷هـ.

٥٠/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

الإستبصار: شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، دارالكتب الإسلامية - تهران.
أعلام الدين: الواعظ الديلمي (ت ٨٤١هـ) مؤسس آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول.
إعلام الوري: أمين الإسلام الشيخ فضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨هـ)، انتشارات دارالكتب الإسلامية - قم، چاپ ٣.

ب

بحار الأنوار: العلامة محمد باقر المجلسي (ت ١١١١هـ)، دارالكتب الإسلامية تهران، چاپ چهارم ١٣٦٢ش.

و مؤسسه الوفاء - بيروت، ١٤٠٣.

بصائر الدرجات الكبرى: محمد بن الحسن الصفار (ت ٢٩٠هـ)، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، چاپ ٢.

ت

تحف العقول: حسن بن علي الحراني (قرن ٤)، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم ١٤٠٤ هجری.

تفسير القمي: علي بن ابراهيم القمي (ت ٣٢٩هـ)، مؤسسه دارالكتاب - قم، چاپ ٣، ١٤٠٤هـ.
تفسير نور الثقلين: الشيخ عبد علي بن جمعة العروسي الحويزي (ت ١١١٢هـ)، تحقيق: سيد هاشم رسولي محلاتي، چاپ و نشر مؤسسه اسماعيليان - قم.

تفسير العياشي: محمد بن مسعود العياشي (ت ٣٢٠هـ)، چاپخانه علميه - تهران، ١٣٨٠هـ ش.
تهذيب الأحكام: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، دارالكتب الإسلامية - تهران چاپ ٤.

ج

جامع الأخباز: محمد بن محمد السبزواري (قرن ٧)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم.
الجعفریات (الأشعيات): محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (القرن ٤)، چاپ مكتبة نينوى

الحديثه - تهران.

خ

الخصال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، جامعه مدرسين حوزة علميه - قم.

د

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التميمي المغربي (ت ۳۶۳هـ)، دارالمعارف - مصر، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ.

ر

رازشطنج: سعيد رمزي (معاصر)، نشر يوسف فاطمه عليها السلام - مشهد مقدس، چاپ چهارم ۱۳۸۵ ش.

رجال الكشي = إختيار معرفة الرجال: شيخ الطائفة الحقة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ۴۶۰هـ)، شرح و تعليق: ميرداماد الإسترآبادي، تحقيق: سيد مهدي رجائي، مؤسسة آل البيت عليهم السلام قم، چاپ اول ۱۴۰۴ هـ.

روضة الواعظين: الشهيد محمد بن الفتال التيشابوري رضوان الله عليه (شهيد در ۵۰۸ هـ)، منشورات الرضي - قم.

و چاپ مكتبة المصطفوي - قم، ۱۳۷۷ هـ.

و نشر دليل ما - قم، چاپ اول ۱۴۲۳ هـ.

ع

علل الشرائع: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، المطبعة الحيدريه - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ هـ.

عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية: ابن أبي جمهور الأحسائي (ت ۸۸۰هـ)، تحقيق مجتبى عراقي، نشر سيد الشهداء - قم، چاپ اول ۱۴۰۵ هـ.

عیون أخبار الرضا عليه السلام: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسة الأعلمي - بيروت.

غ

غرر الحكم: عبدالواحد الآمدي التميمي (ت ۵۵۰هـ)، دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه - قم، چاپ اول ۱۳۶۶ش.

الغبية: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت ۴۶۰هـ)، مؤسسة المعارف الإسلامية - قم، چاپ اول ۱۴۱۱هـ.

ف

فقه الرضا عليه السلام: تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ کنگره جهانی امام رضا عليه السلام.

ق

قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر الحميري القمي (قرن ۳)، کتابخانه نینوا تهران. و چاپ مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم.

ک

الکافي: ثقة الإسلام أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ۳۲۹هـ)، دارالکتب الإسلامية - تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸هـ.

کنزالفوائد: أبو الفتح محمد بن علي الكراچي (ت ۴۴۹هـ)، انتشارات مكتبة المصطفى - قم.

م

المقنع: الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسه امام هادی عليه السلام - قم.

المقنعه: الشيخ المفيد محمد بن محمد بن نعمان العکبري البغدادي (ت ۳۱۴هـ)، نشر جامعه مدرّسين، قم.

کتاب نامه / ۵۳

متشابه القرآن: محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ۵۸۸هـ)، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ش.

مجموعه ورام = تنبيه الخواطر ونزهة النواظر: ورام بن ابی فراس المالکي الأشتري (ت ۶۰۵هـ)، دارالکتب الإسلامیہ - تهران.

المحاسن: الشيخ أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ۲۸۰هـ)، نشر دارالکتب الإسلامیة.
مجمع البيان في تفسير القرآن: فضل بن الحسن بن فضل الطوسي (ت ۵۶۰هـ)، نشر مؤسسه الأعلمي - بيروت.

مجموعه ورام = تنبيه الخواطر ونزهة النواظر: ورام بن ابی فراس المالکي الأشتري (ت ۶۰۵هـ)، دارالکتب الإسلامیہ - تهران.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج ميرزا حسين الثوري الطبرسي (ت ۱۳۲۰هـ)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، ۱۴۰۷هـ.

مسائل علي بن جعفر و مستدرکاتها: علي بن جعفر الحسيني العلوي العريضي (ت ۲۱۰هـ)، تحقيق مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول ۱۴۰۹هـ.

مستطرفات السرائر: محمد بن إدريس الحلبي (ت ۵۹۸هـ)، جامعه مدرسين حوزه علمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۱۱هـ.

مشکوٰۃ الأنوار في غرر الأخبار: أبو الفضل علي الطبرسي (وفات در اوایل قرن هفتم)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم.

من لا يحضره الفقيه: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ۳۸۱هـ)، نشر جامعه مدرسين حوزه علمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۰۴هـ.

منية المريد في آداب المفيد و المستفيد: الشهيد الثاني زين الدين بن علي بن أحمد العاملي الشامي (ت ۹۶۵هـ)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه - قم، چاپ اول ۱۴۰۹هـ.

٥٤/ شطرنج از دیدگاه قرآن و عترت

نهج الحق و كشف الصدق: العلامة حسن بن يوسف بن علي بن مطهر الحلبي (ت ٧٢٩هـ)،
چاپ ٤، دارالهجرة - قم.

و

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة: الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤هـ)،
تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، چاپ اول ١٤١١هـ.

- ۱- سوره (۳۴) سبأ آیه ۶۷.
- ۲- سوره (۳۰) الزمّ آیه ۳۱: «فَطَرَتِ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».
- ۳- سوره (۱۹) التّوبه آیه ۱۰۵: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».
- ۴- سوره (۶) الانعام آیه ۱۵۴: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».
- ۵- سوره (۷) الأعراف آیه ۱۵۸.
- ۶- سوره (۸) الأنفال آیه ۳۸.
- ۷- سوره (۴) النّساء آیه ۱۴: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».
- سوره (۴) النّساء آیه ۶۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللّٰهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».
- سوره (۴) النّساء آیه ۷۰: «وَمَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصّٰدِقِينَ وَ الشّٰهَدَاءِ وَ الصّٰلِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا».
- سوره (۴) النّساء آیه ۸۱: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا».
- سوره (۲۴) النّور آیه ۵۳: «وَمَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللّٰهَ وَ يَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».
- سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۷۲: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا».
- سوره (۴۸) الفتح آیه ۸۱: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ

مَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَاباً أَلِيماً».

۸- سوره (۷۶) الذَّهَر (الإنسان) آیه ۴: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً».

۹- بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۴۹ ب ۸ و ج ۵۸ ص ۷۸: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، وَإِنَّمَا تُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده‌اید، بلکه آفریده شده‌اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می‌شوید.

و غرر الحکم: ص ۱۳۳ ح ۲۲۹۱: إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّكُمْ فِي دَارِ بُلْغَةٍ وَمَنْزِلِ قُلْعَةٍ.

۱۰- «أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می‌داری.

الخصال: ج ۲ ص ۴۲، روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۰۹، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۴۰۲ ب ۱۵ و ج ۹۱ ص ۹۲ ب ۳۲.

۱۱- سوره (۶) الأنعام آیه ۴۴: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

۱۲- سوره (۱۴) ابراهیم علیه السلام آیه ۲۳: «... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ».

۱۳- سوره (۵۱) الذَّارِيَات آیه ۵۶.

۱۴- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الامر علیهما السلام نقل شده است.

۱۵- الکافی: ج ۲ ص ۴۱۴ باب أدنی ما يكون به العبد مؤمناً... ح ۱.

۱۶- کنز الفوائد: ج ۱ ص ۳۵۲، وسائل الشیعة: ج ۲۷ ص ۱۶۹ ب ۱۲ ح ۳۳۵۱۵، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۶۰ ب ۳۱ ح ۱۷ و ج ۷۱ ص ۲۸ ب ۱۸ ح ۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۲۱۷ ب ۱۴ ح ۲.

۱۷- الکافی: ج ۱ ص ۵۸ باب البدع والرأی والمقاییس ... ح ۱۹.

۱۸- بصائرالدراجات: ص ۱۴۸ ب ۱۳ ح ۷.

۱۹- الکافی: ج ۱ ص ۵۴ باب البدع و ... ح ۲، عوالی‌الآلای: ج ۴ ص ۷۰ جمله ۲ ح ۳۹، نهج‌الحق:

ص ۳۷، منیه‌المريد: ص ۱۸۶، وسائل‌الشيعه: ج ۱۶ ص ۲۶۹ ب ۴۰ ح ۲۱۵۳۸، بحارالأنوار: ج ۱۰۵

ص ۱۵ اجازه ۲۸.

۲۰- بحارالأنوار: ج ۵۴ ص ۲۳۴.

۲۱- إرشادالقلوب: ج ۱ ص ۶۹ ب ۱۷.

۲۲- رجال‌الکشي: ص ۴۹۳ ح ۹۴۶، علل‌الشرائع: ج ۱ ص ۲۳۵ ب ۱۷۱ ح ۱، عيون‌أخبار‌الرضا

عليه‌السلام: ج ۱ ص ۱۱۲ ب ۱۰ ح ۲، الغيبة، الشيخ‌الطوسي: ص ۶۳، وسائل‌الشيعه: ج ۱۶

ص ۲۷۱ ب ۴۰ ح ۲۱۵۴۶، بحارالأنوار: ج ۴۸ ص ۲۵۲ ب ۱۰.

۲۳- سورة (۳) آل‌عمران (آل‌محمد صلى الله عليه‌وآله) آیه ۳۲.

۲۴- سورة (۲) آیه ۲۲۰.

۲۵- در کتاب راز شطرنج نوشته: سعيد رمزی صفحه ۱۰۵ و ۱۰۶ آمده است: آیا شطرنج تقویت

کننده نیروی فکراست؟ در جواب این سؤال می‌توان اثرات بازی شطرنج و پیامدهای آن را در

بعد فکری و عقلی از دیدگاه روانشناسان، کارشناسان و قهرمانان شطرنج جهان چنین توصیف

کرد: بسیار خسته کننده، خطرناک، نابود کننده سایر منابع و فعالیت‌های ذهنی، موجب

اختلال حواس، منشأ ایجاد انگیزه زشت اسارت و پدرکشی، موجب بروز عواطف نامطلوب،

منشأ ایجاد تنفر از حریف، اعتیادآور، مانع خوشبختی و موجب تزلزل بنیان خانواده ...

بنا به نظر کارشناسان حتی افراد کودن و کم هوش نیز به خوبی می‌توانند شطرنج بازی کنند، به

طوری که دیوانگان بردانشجویان پیروز می‌شوند.

واقعاً این بازی چه زیبا فکرا تقویت می‌کند. و چه زیبا فکریک شطرنج باز تقویت می‌گردد

آن جا که حاضر است اعضای خود را و بالاتر از آن، همسر خود را در معرض برد و باخت قرار دهد، و یا پس از باخت از فرط خشم و غضب لوازم اطراف خود را بشکند، و یا خود را برای مدتی زندانی کند، و حتی حریف خود را از طبقه دوم به بیرون پرتاب نماید، و در نهایت مبتلا به بیماری های روانی، عصبی و حملات قلبی و مرگ ناهنگام گردد؟ یک ضرب المثل فرانسوی می گوید: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمی توانی شطرنج بازی کنی. بازی شطرنج برفرض که یک نوع تقویت فکر باشد، تقویت فکر جنگجویی و ستیزاست، و تقویت هرفکری پسندیده نیست. باید فکراسانیت، دوستی و صمیمیت، صلح و صفا را تقویت کرد، و هیچ کدام از این ها از یک بازی جنگی بدست نمی آید. شاید یکی از فلسفه های ممنوعیت شطرنج همین جنگ فکری آن باشد.

۲۶- سوره (۵) مائده آیه ۹۱ و ۹۲.

۲۷- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۵ باب النرد و الشطرنج... ح ۳، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۴ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۶ و در آن چنین آمده: النرد و الشطرنج هُمَا الْمُسِيرُ.

۲۸- تفسیرالقمی: ج ۱ ص ۱۸۰، تفسیرالعیاشی: ج ۱ ص ۳۳۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۷، تفسیرالبرهان: ج ۱ ص ۴۹۷، تفسیر نورالثقلین: ج ۱ ص ۶۶۹، بحارالأنوار: ج ۷۶ ص ۲۲۸ ب ۹۸ ح ۱.

۲۹- تفسیرالعیاشی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۱۸۶، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۲ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۶۰، بحارالأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۵ ب ۹۸ ح ۱۸.

۳۰- مجمع البیان: ج ۳ ص ۳۷۰، تفسیر نورالثقلین: ج ۱ ص ۶۶۹ ح ۳۴۵.

۳۱- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۶ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۷۶.

۳۲- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۷ باب النرد و الشطرنج... ح ۱۱، تفسیرالعیاشی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۱۸۵، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۹ و ص ۳۲۴ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۸ و ص ۳۲۵

ح ۲۲۶۷۲، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۵ ب ۹۸ ح ۱۷.

۳۳- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۶ باب النرد و الشطرنج ... ح ۸، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۴ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۹.

۳۴- الکافی: ج ۵ ص ۱۲۲ باب القمار... ح ۲، من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۱۶۰ ح ۳۵۸۷، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳۷۱ ب ۹۳ ح ۱۹۶، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۱۶۵ ح ۲۲۲۵۷.

۳۵- فقه الرضا علیه السلام: ص ۲۸۴ ح ۴، من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۵۸ باب حدّ شرب الخمر ... ح ۵۰۹۳، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۳ ب ۹۸ ح ۹، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۴ ب ۸۳ ح ۱۵۱۹۶-۲.

۳۶- نوعی بازی بچه ها است که روی زمین خطوط جدول مانند کشیده و روی خطوط سنگ هایی را گذاشته و بازی می کنند.

۳۷- فقه الرضا علیه السلام: ص ۲۸۴ ب ۴۶، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۳ ب ۹۸ ح ۹، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۱۱ ب ۲۹ ح ۱۴۹۴۳-۱.

۳۸- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۳۳۹ ح ۱۸۲، عوالی اللآلی: ج ۲ ص ۱۱۱ مسلك ۴ ح ۳۰۴: و روی عن أهل البيت عليهم السلام أنّ الميسر هو القمار بجميع أنواعه حتى لعب الصبيان بالجوز والبيض، متشابه القرآن، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۲۱۰: وقال ابن عباس وابن مسعود والحسن وقتادة وابن سيرين الميسر هو القمار كله، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۱۶۷ ب ۳۵ ح ۲۲۲۶۴، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۵ ب ۹۸ ح ۱۶.

۳۹- الکافی: ج ۵ ص ۱۲۴ باب القمار و... ح ۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۱۶۵ ب ۳۵ ح ۲۲۲۵۶ و ص ۱۶۷ ح ۲۲۲۶۳، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۵ ب ۹۸ ح ۱۵.

۴۰- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۵ باب النرد و الشطرنج ... ح ۱، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۳ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۵.

- ٤١- تفسير العياشي: ج ١ ص ١٠٥ ح ٣١١، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٢٥ ب ١٠٤ ح ٢٢٦٧٥.
- ٤٢- سورة (٢٢) حج آية ٣١.
- ٤٣- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٦ باب النرد والشطرنج ... ح ٧.
- ٤٤- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٥ باب النرد والشطرنج ... ح ٢.
- ٤٥- معاني الأخبار: ص ٣٤٩ ح ١، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٠٨ ب ٩٩ ح ٢٢٦١٣، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٥ ب ٩٩ ح ٢٠.
- ٤٦- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص ٢٩٤ المجلس ١١ ح ٥٧٥- ٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٤ ب ٩٩ ح ١٧.
- ٤٧- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٠ فصل ٤ ح ٧٦٩، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢٢ ب ٨١ ح ١٥١٨٦- ١.
- ٤٨- المقنعة: ص ١٥٤، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢٢ ب ٨١ ح ١٥١٨٨- ٣.
- ٤٩- بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٥٦ ب ٦٧ ح ٢٢ و مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٦ ب ٧٩ ح ١٥١٦٣- ٤
از كتاب زيد الترسّي: عن أبي عبد الله قال: سأله بعض أصحابنا عن طلب الصيد وقال له:
إنّي رجل أهو بطلب الصيد وضرب الصّوالج وأهو بلبع الشّطرنج قال:.
- ٥٠- تفسير القمي: ج ٢ ص ٨٤، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣١٠ ب ٩٩ ح ٢٢٦١٩.
- ٥١- المقنعة: ص ١٥٤، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ١١٨ ب ٢٩ ح ١٤٩٤٤- ٢.
- ٥٢- سورة (٢٥) فرقان آية ٧٣.
- ٥٣- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢٠٨ فصل ٤ ح ٧٦٣، مستدرك الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٣ ب ٧٨ ح ١٥١٤٧- ٧.
- ٥٤- سورة (٢١) انبياء آية ٥٣.
- ٥٥- جامع الأخبار: ص ١٥٣ فصل ١١٤، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٤٣ فصل ٩ ح ١٦٦، بحار الأنوار:

ج ۷۶ ص ۲۳۶ ب ۹۸ ح ۲۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۲ ح ۱۵۱۸۹-۴.

۵۶- مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۳ ب ۸۱ ح ۱۵۱۹۱-۶.

۵۷- نهج الحق: ص ۵۶۸.

۵۸- مسائل علی بن جعفر علیهما السلام: ص ۲۹۴ ح ۷۵۱، المحاسن: ص ۶۱۸، قرب الإسناد:

ص ۱۲۲، وسائل الشیعة: ج ۵ ص ۳۰۷ ب ۳ ح ۶۶۲۲ و ۶۶۲۳ و ج ۱۷ ص ۲۹۸ ب ۹۴ ح ۲۲۵۷۸،

بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۵۶ ب ۶۷ ح ۲۴ و ج ۷۶ ص ۲۸۷ ب ۱۰۷ ح ۸ و ۹.

۵۹- سوره (۲) آیه ۱۸۹.

۶۰- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۶ ح ۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۴ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۶۷.

۶۱- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۶، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۱۹ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۰.

۶۲- الکافی: ج ۵ ص ۱۲۲ باب القمار ... ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۸۴ ح ۲۰۴، وسائل الشیعة:

ج ۱۷ ص ۱۶۴ ب ۳۵ ح ۲۲۲۵۴، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۴ ب ۹۸ ح ۱۲.

۶۳- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۱۶۷ ب ۳۵ ح ۲۲۲۶۷.

۶۴- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۵ باب الترد و الشطرنج ... ح ۴، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۳۱۵ ح ۱۵۳،

وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۱۸ و ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۴۷ و ۲۲۶۵۸، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۳۶

ب ۹۸ ح ۲۱.

۶۵- من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳ باب ذکر جمل من مناهي التبی ... ح ۴۹۶۸، مجموعة ورام:

ج ۲ ص ۲۵۶ وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۵ ب ۱۰۴ ح ۲۲۶۷۰ و بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۳۰ ب ۶۷.

۶۶- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۷ باب الترد و الشطرنج ... ح ۱۷، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۰ ب ۱۰۲

ح ۲۲۶۵۴.

۶۷- الأمالی، الشیخ الصدوق: ص ۴۲۴ مجلس ۶۶، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۴۴ ب ۴ ح ۹ و ج ۷۶

ص ٢٣٢ ب ٩٨ ح ٧.

٦٨- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ٢ ص ١٢٦ ب ٣٥، وسائل الشیعة: ج ١٥ ص ٣٢٩ ب ٤٦ ح ٢٠٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٢ ب ٦٨ ح ١٢.

٦٩- معانی الأخبار: ٢٧٠، وسائل الشیعة: ج ١٦ ص ٢٨١ ب ٤١ ح ٢١٥٥٦، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٧٥ ب ١٣٨.

٧٠- تحف العقول: ص ٣٣٥، وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٨٣ ب ٢ ح ٢٢٠٤٧، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٧ ب ٤.

٧١- وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٣٢٠ ب ١٠٢ ح ٢٢٦٥٥.

٧٢- الکافی: ج ٦ ص ٤٣٧ ح ١٦، وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٣٢٢ ب ١٠٣ ح ٢٢٦٦٢.

٧٣- جامع الأخبار: ص ١٥٣ فصل ١١٤، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٣٧ ب ٩٨، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢٣ ب ٨٢ ح ١٥١٩٢-١.

٧٤- الکافی: ج ٦ ص ٤٣٧ باب الترد و الشطرنج... ح ١٥، وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٣٢٢ ب ١٠٣ ح ٢٢٦٦٣.

٧٥- الجعفریات: ص ١٨٠، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٦٩ ب ٥ ح ١٤٧٧٣-١.

٧٦- فقه الرضا علیه السلام: ص ٢٨٢ ب ٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٥٣ ب ١٠٠ ح ١١، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٨ ب ٧٩ ح ١٥١٦٩-١٠.

٧٧- الکافی: ج ٦ ص ٤٣٧ ح ١٣، وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٣١٩ ب ١٠٢ ح ٢٢٦٥٢.

٧٨- من لا یحضره الفقیه: ج ٤ ص ٤١٩ ح ٥٩١٥، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ٢ ص ٢٢ ب ٣٠ ح ٥٠، جامع الأخبار: ص ١٥٣ فصل ١١٤، الدّعات، التّراویدی: ص ١٦٢ ح ٤٤٧، وسائل الشیعة: ج ٢٥ ص ٣٦٣ ب ٢٧ ح ٣٢١٣٣، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٩٩ ب ٣٦ ح ٢.

٧٩- قرب الإسناد: ص ٨١، الخصال: ج ١ ص ٢٦ ح ٩٢، وسائل الشیعة: ج ١٧ ص ٣٢٠ ب ١٠٢.

ح ٢٢٦٥٦، بحار الأنوار ج ٧٦ ص ٢٣٠ ب ٩٨ ح ٢.

٨٠- وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٢٣ ب ١٠٣ ح ٢٢٦٦٤، بحار الأنوار ج ٧٦ ص ٢٣٤ ب ٩٨ ح ١٣.

٨١- مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢٣ ب ٨١ ح ١٥١٩٠-٥.

٨٢- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٧ باب النرد و الشطرنج... ح ١٢، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٢٢ ب ١٠٣ ح ٢٢٦٦١.

٨٣- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٧ باب النرد و الشطرنج... ح ١٤: ... عن محمد بن علي بن جعفر عن الرضا عليه السلام قال: جاء رجل إلى أبي جعفر فقال: يا أبا جعفر! ما تقول في الشطرنج التي يلعب بها الناس؟ فقال: أخبرني أبي علي بن الحسين عن الحسين بن علي عن أمير المؤمنين عليه السلام قال:.. وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٢٠ ب ١٠٢ ح ٢٢٦٥٣.

٨٤- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٥ باب النرد و الشطرنج... ح ٥، من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٩٨ ح ١٨٣٩، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٦٠ ب ٤ ح ٦، الأمالي، الشيخ الطوسي: ص ٦٩٠ مجلس ٣٩ ح ١٤٦٨-١١.

٨٥- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٦ باب النرد و الشطرنج... ح ١٠.

٨٦- الخصال: ج ١ ص ٢٣٧ ح ٨٠، مشكوة الأنوار ص ١٩٨ الفصل ٤، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ٤٩ ب ٢٨ ح ١٥٦١٣، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٨ ب ٩٧ ح ٣٢ و ص ٣٥٦ ب ٦٧ ح ٢٣.

٨٧- الخصال: ج ١ ص ٣٣٠ ح ٢٩، مشكوة الأنوار ج ١ ص ١٩٨ فصل ٤، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ٥٠ ب ٢٨ ح ١٥٦١٦ و ص ٧٩ ب ٤٩ ح ١٥٦٩٣، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٩ ب ٩٧ ح ٣٤ و ص ٣٤٠ ب ٦٧ ح ١٠.

٨٨- الخصال: ج ٢ ص ٤٨٤، روضة الواعظين: ج ٢ ص ٤٥٨ مجلس في ذكر إفشاء السلام...، مشكوة الأنوار ص ١٩٨ الفصل ٤، وسائل الشيعة: ج ١٢ ص ٥١ ب ٢٨ ح ١٥٦١٧، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٩ ب ٩٧ ح ٣٥ و ج ٨١ ص ٣٠٩ تحقيق أنيق... ح ٣٥، مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٣٨٢ ب ١٠.

ح ٩٢٣-١.

٨٩- بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠ ب ٩٧ ح ٤٣.

٩٠- عوالي اللآلي: ج ٢ ص ١١١ ح ٣٠٦، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢٣ ب ٨٢ ح ١٥١٩٤-٣.

٩١- فقه الرضا عليه السلام: ج ٢٠٥ ب ٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٥٧ ب ٦٦ ح ٤٧ و ج ٩٣ ص ٢٧٥

ب ٣٢ ح ١٩.

٩٢- الكافي: ج ٧ ص ٣٩٦ ح ٩، من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٣ ح ٣٢٩١، تهذيب الأحكام: ج ٦

ص ٢٤٣ ب ٩١ ح ٩، وسائل الشيعة: ج ٢٧ ص ٣٨٠ ب ٣٣ ح ٣٤٠٠٢.

٩٣- من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٠ ح ٣٢٨٢.

٩٤- الكافي: ج ٨ ص ٣٦-٣٨ في حديث أبي عبد الله عليه السلام مع المنصور لعنه الله في موكب

ح ٧، وسائل الشيعة: ج ١٦ ص ٢٧٧ ب ٤١ ح ٢١٥٥٤، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٢٥٧ ب ٢٥ ح ١٤٧.

٩٥- السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (والمستطرفات): ج ٣ ص ٥٧٧- و من ذلك ما استطرفناه من

جامع البنزطي صاحب الرضا عليه السلام: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام.

٩٦- الخصال: ج ١ ص ٢٥١ باب التهي عن أربعة أشياء وعن أربعة ظروف... ح ١١٩- حدثنا محمد

بن موسى بن المتوكل رضي الله عنه قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن محمد بن

عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع الشامي، عن أبي عبد الله

عليه السلام قال: سئل عن الشطرنج والترد؟ قال: لا تقربوهما. قلت: فالغناء؟ ... و معاني

الأخبار: ص ٢٢٤ باب معنى الدباء والمزفت والحنتم والتقيرح- أبي رحمه الله قال: حدثنا سعد

بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن خالد بن جرير، عن أبي الربيع

الشامي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سئل عن الترد والشطرنج؟ قال: لا تقربوهما ...

وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٢٠ ب ١٠٢ ح ٢٢٦٥٥-١٠.

٩٧- تحف العقول: ص ٣٣٥. وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٨٥ ب ٢ ح ٢٢٠٤٧-١.

۹۸ - الکافی: ج ۶ ص ۴۳۷ باب الترد و الشطنج... ح ۱۵ - عده من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك! ما تقول في الشطنج؟ قال: الْمُقْلَبُ لَهَا كَالْمُقْلَبِ لَحْمَ الْخَنْزِيرِ. فقلت: ما على من قلب لحم الخنزير؟ قال: يَغْسِلُ يَدَهُ.

ضعف این روایت منجبراست به شهرت عمل شیعه و إجماع آنان.

۹۹ - تفسیرالقمی: ج ۱ ص ۱۸۰، تفسیرالعیاشی: ج ۱ ص ۳۳۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۲۱ ب ۱۰۲ ح ۲۲۶۵۷، تفسیرالبرهان: ج ۱ ص ۴۹۷، تفسیرنورالثقلین: ج ۱ ص ۶۶۹، بحارالانوار: ج ۷۶ ص ۲۲۸ ب ۹۸ ح ۱.

۱۰۰ - تفسیرمجمع البیان: ج ۳ ص ۳۷۰.

۱۰۱ - سوره (۲۲) الحج آیه ۳۱.

۱۰۲ - فقه الرضا علیه السلام: ص ۲۸۴ ح ۴، و من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۵۸ باب حدّ شرب الخمر ح ۵۰۹۳.

۱۰۳ - بحارالأنوار: ج ۷۳ ص ۳۵۶ ب ۶۷ ح ۲۲ و مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۲ ب ۸۱ ح ۱۵۱۸۸ - ۳.

۱۰۴ - تحف العقول: ص ۳۵۵.

برخی از تألیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلایی مد ظله

آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب

از برکه غدیر تا بی کران عاشوراء

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه وآله

امامت و رهبریّت حضرت فاطمة الزهرا سلام الله علیها

تبری و تولی اساس توحید

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلی الله علیهم العاشورائیه

حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

ربا اعلان جنگ با الله و رسولش

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام (دفاعیه)

پرسش و پاسخ جلد ۱ پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)

پرسش و پاسخ جلد ۲ (جبر و عصمت انبیاء، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرسش و پاسخ جلد ۳ فضل طینت نور (در عزاداری)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار حدیث شریف کساء یمانی (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار دعای صنمی قریش (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت جامعه کبیره (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء معروفه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه (دفاعیه)

پژوهشی نو پیرامون حدیث شریف کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

حریم و حیا

حضرت حرّ آزاد مرد شهید علیه السّلام (دفاعیه)

حلاج مرتدّی به دار آویخته (ردّ تصوّف و فلسفه)

حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

در محضرفقیه معارفی جلد ۱ و ۲ و ۳ مجموعه ای نفیس از پاسخ به سوالات و شبهات معارفی،

قرآنی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درایه و منبع شناسی

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله (فقهی فتوائی؛ عبادات، معاملات و ...)

مناسک حج و عمره (فقهی فتوائی)

یکصد و ده حدیث معارفی

و ...



فقیه، حدیث شناس، محقق و مؤلف گران مایه،
آیه الله حیدر تربتی کربلانی از شمار برترین
پژوهش گران علوم دینی می باشند،

از جمله فعالیت های خطیر ایشان در گذشته و حال،
تدریس خارج فقه و خارج معارف اهل البیت
علیهم السلام، تشکیل کلاس های قرآن و عترت،
فقه و عقائد برای جوانان در مساجد، حسینه ها و
بیت ایشان، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، انجام
پژوهش های حدیثی، فقهی، عقیدتی، تفسیری،
فرقه شناسی و... بوده که اکثر اُدر راستای مبارزه با
شبهات انجام شده و هم چنان ادامه دارد.....